

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرزندپروری مدرن

حجت الاسلام و المسلمین مسعود شهیدی

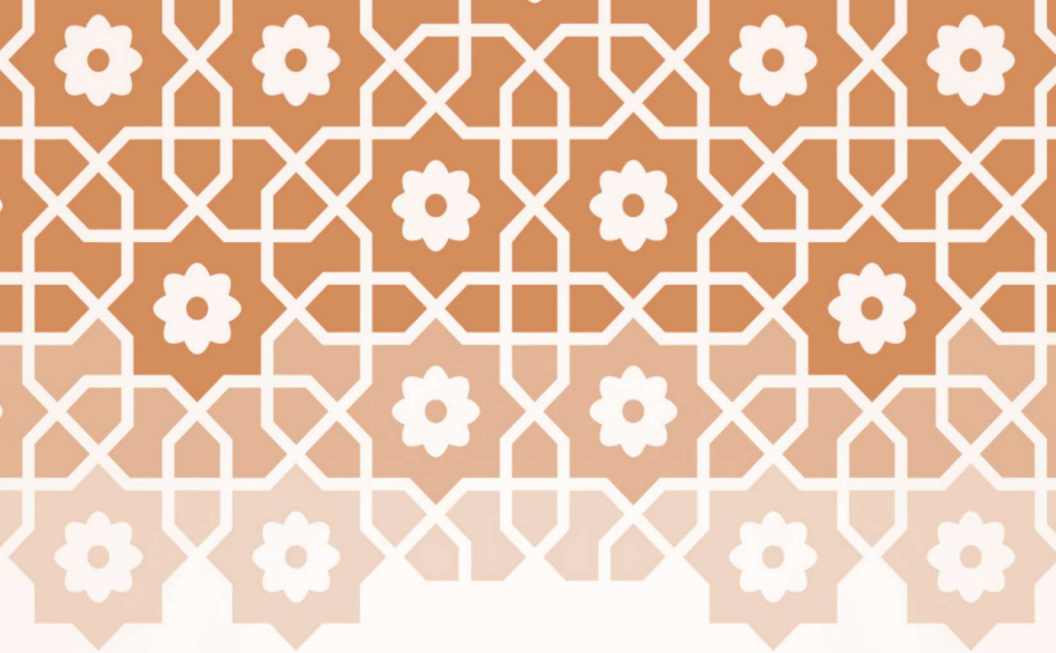
مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

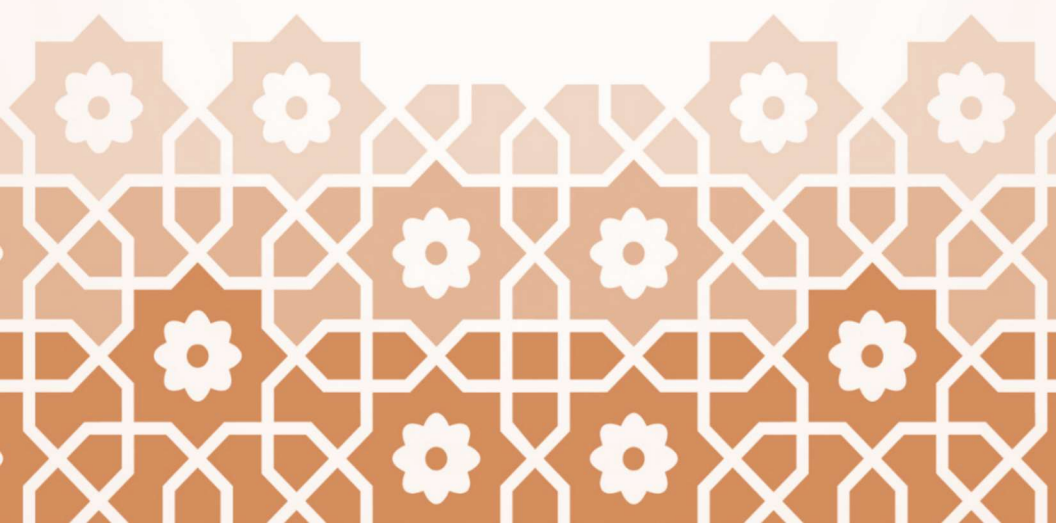
فرزندپروری در نگاه کلی.....	۶
تعریف فرزندپروری.....	۷
روان‌شناسی اسلامی: تلفیق با روان‌شناسی غربی یا وجود مستقل.....	۸
فرایند تربیت فرزند.....	۱۰
تربیت نسل دیجیتال.....	۱۱
مقدمه.....	۱۲
بی‌حوصلگی؛ چالش مشترک نسل دیجیتال.....	۱۳
زمان‌شناسی؛ تأکید اهل بیت در تربیت فرزند.....	۱۳
فرزندپروری مدرن.....	۱۷
ضرورت بحث.....	۱۸
رویکرد سی بی تی در تربیت فرزند.....	۲۱
سؤالات.....	۲۴
لزوم شناخت نیازهای نسل دیجیتال.....	۲۷
تأثیر فناوری در رشد شناختی و عاطفی کودکان.....	۳۰
اعتیاد به فضای مجازی.....	۳۳
هسته اصلی اعتیاد.....	۳۴
ضرورت اقدام در حوزه هوش مصنوعی.....	۳۵
لزوم استفاده از راهکارهای جایگزین.....	۳۷
سؤالات پایانی.....	۳۹
نسل جدید: ذهن‌های کوچک‌تر یا پیشرفته‌تر؟.....	۴۰
کنکاش در جمع دو روایت مطرح‌شده.....	۴۲
پیامدهای محدودیت کودک.....	۴۵
مدیریت صحیح؛ ضمانت سلامت روانی کودک.....	۴۷
تربیت جنسی.....	۴۹

مقدمه

تا حضرت استاد آماده می‌شوند، خیرمقدم عرض می‌کنیم. در خدمت استاد هستیم با موضوع فرزندپروری مدرن. در رابطه با این موضوع، از استاد استعلام گرفته شد، فرمودند که در ماجرای تربیت فرزند، ابزار و ارکانی تأثیرات بسزایی دارند. یکی از این تأثیرهایی که شاید ناخواسته از آن غافل هستیم، ماجرای بازی‌های بچه‌هاست. حالا چیزهایی که در تربیت انسان‌ها تأثیرگذارند، خانواده و اجتماع و... موضوع گفتگوی ما نیست. فعلاً موضوع گفتگوی ما بازی‌ها یا به تعبیر فراتری که بخواهیم هوش مصنوعی را هم داخل بازی بیاوریم، ابزارهای رسانه‌ای مؤثر در تربیت کودکان چه هستند و چه تأثیراتی دارند و متقابلاً چه تأثیراتی را آن ابزارها از کودکان می‌گیرند، محل گفتگوی استاد هست که این جلسه استفاده خواهیم کرد. گمانم این است که یک ساعت و ربع از استاد استفاده خواهیم کرد و بعد یک ربع دوستان فرصت دارند که سؤالاتشان را بپرسند. در بین جلسه اگر فکر می‌کنید که سؤالی به نفع جلسه هست، حتماً می‌توانید بپرسید. به استقبال استاد می‌رویم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.



فرزندپوری در نگاه کلی



استاد: بسم الله الرحمن الرحيم. و به نستعين و له الحمد انه خير ناصر و معين. و صل الله على سيدنا و نبينا ابالقاسم المصطفى محمد. اللهم صل على محمد و آل محمد. و على آله الطيبين الطاهرين لاسيما حجه بن الحسن روى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء. اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَّ عَلَى اَبائِهِ فى هَذِهِ السَّاعَةِ، وَ فى كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَقائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عِيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُثَمِّتَهُ فيها طَوْيلاً.

ان شاء الله که جلسه ما مورد عنایت و توجه آقا حجه بن الحسن قرار بگیرد. جهت سلامتی و تعجیل در فرجشان صلواتی ختم بفرمایید.

خوشحال و خوشوقتم که محضر عزیزان جوینده علم، طلبه‌های فاضلی که در عرصه روان‌شناسی و مشاوره قرار است فعالیت کنند، در این فرصت محدود که حالا خیلی زمانی نیست یک ساعت و خورده‌ای، شاید بشود یک بخشی از مباحث فرزندپروری را اشاره کرد. ولی لازم است که ابتدا یک مقداری از دورنمای خود، یک نگاه اجمالی از فرزندپروری داشته باشیم و بعد وارد مباحث بشویم؛ چون احساسم این است که ما در بحث روان‌شناسی، باید یک مقدمات و مباحثی را بدانیم و بعد وارد مباحث فرزندپروری بشویم.

تعریف فرزندپروری

فرزندپروری همان چیزی است که ما به آن می‌گوییم تربیت فرزند. اصطلاح پرنیتینگ که در رویکردهای مختلف، برایش برنامه دارند، قواعد و اصول دارند، مبانی و روش‌ها دارند و چیزی که من در این سال‌های متمادی، من تقریباً سال ۷۴ که طلبه حوزه قم شدم و درس خارج تمام شد و وارد رشته روان‌شناسی و بعد ارشد دکتری شدم، ممحض بودم در تربیت کودک. از همان اول من را به مشاور کودک می‌شناختند. فرزندپروری را مصر بودم که با مبانی

روانشناسی که غربی هم هست، بینم چیست و بحث‌هایش چیست. در رویکردهای مختلف، من رویکرد سی بی تی و شناختی رفتاری را انتخاب کردم. رویکردهایی که... قبلاً بی تی بوده است، رفتاری بوده است، بعد که رویکرد شناختی آمده است دیگر بسی شده است، رویکردهای شناختی متفاوت هستند. در رویکردهای مختلف روان‌شناسی هم فرزندپروری متفاوت است. می‌خواهم بگویم رویکردهای مثلاً روان تحلیلگرها یک‌جور فرزندپروری دارند، رویکرد تعیین رفتار متقابل، تی ای هست، آن‌ها یک فرزندپروری دارند، رویکردهای منتالیزیشن یک‌جور است، رویکردهای طرح‌واره درمانی که اسموترایی است یک نوع فرزندپروری دارند و هر کدام هم منابعی دارند. کتاب‌های مختص خودشان به‌عنوان همین فرزندپروری دارند. یعنی اگر شما بخواهید در رویکردهای مختلف فرزندپروری آن‌ها را هم ببینید، کتاب‌های ترجمه‌شده‌شان هست و آن‌هایی که علاقه‌مند هستند که مباحث ما را پیگیری کنند، می‌توانند از طریق کانال هم پیگیری کنند که کانال فرزندپروری مثبت، که قبلاً زمانی که ایتا نبود در تلگرام بودیم و الان در ایتا هستیم و غالباً هم جاهایی که در کل کشور تدریس می‌کردم، عضو شدند و شش هزار نفر عضو شدند و مباحث را می‌توانید آنجا ببینید که چه کتاب‌هایی از چه رویکردهای مختلفی در رابطه با فرزندپروری هست.

روانشناسی اسلامی: تلفیق با روان‌شناسی

غربی یا وجود مستقل

در رویکرد اسلامی هم کتاب‌هایی تدوین شده است؛ اما اصل و اساس روان‌شناسی اسلامی هنوز به معنای واقعی ما که با مبانی انسان‌شناسی اسلامی

تبیین شده باشد، نداریم و بر همین اساس فرزندپروری هم با آن رویکرد نخواهیم داشت. این به آن معنا نیست که ما حرفی برای گفتن نداریم. نه خیلی در مباحث دینی و آموزه‌های قرآنی و روایات خیلی غنی هستیم. این‌ها اگر در یک قالبی قرار بگیرند، حرفی که امام رضا (ع) فرمودند: «علینا القاء الاصول و علیکم التفریع»^۱ یعنی شما بروید اصولی که از دین یاد گرفتید را فرع فرع کنید و تقسیم‌بندی کنید و روش‌مند جلو بروید. کاری که روان‌شناسان می‌کنند و ما یک مقداری از آن عقب هستیم. شاید این جلسه جرقه‌ای باشد برای عزیزی که می‌خواهند در این عرصه کار کنند، بدانند که کار برای نگاه‌های اسلامی در روان‌شناسی خیلی زیاد است؛ اما با نگاه‌های مختص اسلامی نه با نگاه‌های اومانیستی و غربی روان‌شناسی را در بیاوریم. نه اگر ما نگاه‌های روان‌شناسی غربی را می‌خوانیم، می‌خواهیم با مبانی خودمان آن‌ها را بچینیم؛ نه اینکه بیایم تلفیق کنیم. اینجا اگر ما حرفی در اینجا می‌زنیم، تلفیق است و مبانی نیست. مثلاً آن‌ها آمدند در بحث روان‌شناسی و تربیت فرزند، با رویکرد سی بی تی گفتند. تعریفی کردند و نگاهی داشتند، ما آن نگاه را داریم؛ ولی توجه به مبانی دینی خودمان هم داریم که یک وقتی از مسیر اصلی خودمان خارج نشویم. برای اینکه نگاه عزیزان به فرزندپروری درست بشود و بعد سراغ بحث خودمان که فرزندآوری مدرن هست، بشویم. گذرا می‌خواهم رد بشوم؛ چون بنبند این تعریف نیاز به توضیح دارد؛ یعنی فرزندپروری را یک فرایند می‌دانیم.

فرایند تربیت فرزند

یعنی بچه از آن لحظه‌ای که به دنیا می‌آید تا آن لحظه‌ای که رشد می‌کند و از محیط خانه پدر و مادر خارج می‌شود؛ چون دیگر بعد از آن از کودکی و نوجوانی خارج شده است، این فرایند را یک فرایندی که والدین باید فرزندی پروری‌شان چطور باید اتفاق بیفتد؟ در راستای اینکه بتوانند رابطه والدگری درست و مطلوب را بین خودشان و فرزندشان ایجاد کنند. این رابطه والدگری مطلوب خودش مباحثی دارد و نمی‌خواهم وارد آن مقوله بشوم که بحث‌های پذیرش و اکت و شناخت و روان‌شناسی رشد کودک هست که بتوانیم آن رابطه را ایجاد کنیم. تا به چه برسیم؟ تا برسیم به اینکه آن زمینه‌های رشد استعدادها را بچه‌ها را در همه زمینه‌های شناختی رفتاری عاطفی هیجانی برای رسیدن به قرب الهی ایجاد کنیم.



تربیت نسل دیجیتال

مقدمه

این خیلی تعریف روان و ساده و روشن؛ ولی خب با این تعریف اگر فرزندپروری را نگاه کنیم، هر اتفاقی در تربیت فرزند می‌تواند تأثیرگذار باشد. وقتی ما می‌خواهیم وارد فرزندپروری مدرن بشویم، می‌گوییم بچه یک‌ساله دارد تلویزیون نگاه می‌کند، چه اشکالی دارد؟ وقتی ندانیم این فرایند چیست؟ الان نسل جدید، نسل زد، که الان بعضی می‌گویند زد بگویند یا آلفا بگویند، نسل دیجیتالی که الان بچه‌ها هستند، از لحاظ علمی... حالا به آن می‌رسیم، به این رسیدند که مغز این بچه‌ها، حجم مغزشان نسبت به نسل‌های قبلی کم شده است. علتش چیست؟

علتش این است که بچه‌های زیر دو سال، من در کانال خودم ۸ سال پیش گذاشتم، انجمن روان‌پزشکان آمریکا، آن‌ها ممنوع کرده بودند هر نوع اسکرین تایمی. هر نوع صفحه نمایشی را برای بچه‌ها و آنجا آمارهای زیادی را داده بودند که این دیدن، باعث آسیب به مغز می‌شود؛ چون سلول‌های مغزی بچه‌ها در حال رشد است و آن رشد اتفاق نمی‌افتد. دچار بدغذایی می‌شوند، دچار کمبود توجه می‌شوند. کجا آسیب می‌زند، اشاره خواهیم کرد. می‌خواهم بگویم که این فرایند خیلی مهم است، فکر نکنید فقط یک نگاه است، یک فیلم است، یک کلیپ است، یک بازی مثلاً کالاف انجام داده و چیزی نیست. نمی‌دانیم این اتفاق چه فرایندی را می‌تواند ایجاد کند که اصلاً نتواند آن رابطه والدگری را به وجود بیاورد، نتواند آن رشد استعدادها را به وجود بیاورد.

بی‌حوصلگی؛ چالش مشترک نسل دیجیتال

بچه‌ها غالباً آن‌هایی که برای مشاوره پیش ما می‌آیند، گزارش اصلی پدر و مادر این است که بچه‌ها حوصله درس ندارند. بعد می‌گویم علتش چیست. یکی از علت‌هایی که به آن در فرزندپروری مدرن توجه نداریم، همین درگیری بچه‌ها به بازی‌هاست. همین درگیری بچه‌ها به فضای مجازی است که خود کرونا منشأش بود و کاری ندارم که باهدف بود و بی‌هدف بود، بالاخره اتفاق افتاد. بچه‌هایی که اصلاً گوشی در خانه‌شان نداشتند. مثلاً من یادم است یک سری در روستاهای اطراف، یکی از خیرین رفته بود مبلغ زیادی موبایل خریده بود که بچه‌ها بتوانند وارد شاد بشوند؛ ولی خیلی از کشورها کاردکسی بچه‌ها درست کنند و به معلم‌ها بدهند و کاغذها را تبادل کنند. در فضای مجازی نروند و نگذاشتند چنین اتفاقی بیفتد. ان‌شاءالله که مسئولین ما عامداً این کار را نکردند. اگر کردند، خدا جزایشان را خواهد داد و چیزی بی‌جواب باقی نخواهد ماند. اگر عالم نبودند که ان‌شاءالله نبوده باشند...

زمان‌شناسی؛ تأکید اهل‌بیت در تربیت فرزند

در هر صورت اتفاقی که دارد برای بچه‌های ما می‌افتد این است. حالا سراغ اینکه در این تعریفی که از فرزندپروری کردیم، ببینیم در نگاه دینی، اهل‌بیت هم به این توجه دادند که حواستان باشد که الان می‌خواهید تربیت فرزند داشته باشید، به بچه‌های الان نگاه کنید. «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»^۱ این‌ها اگر شما بخواهید با آن آداب قبل، من بخواهم با آداب ده سال پیش که فرزندپروری می‌گفتم، بخواهم با همان روش

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷، ح ۱۰۲.

فرزندپروری بگویم که هنری نیست و اثری هم ندارد و می‌بینیم که اثر هم ندارد. با همان پرنیتینگ دارم با والدین کار می‌کنم، اگر بدون تغییر انجام بدهم، الان جواب نمی‌دهد و باید کار بشود. فکر نکنید روی این زمینه در ایران ما کار شده است.

این یک نکته و از آن طرف هم حدیث از امام صادق است، این‌ها حدیث‌هایی است که شما قطعاً شنیدید و می‌دانید، «العالم بزمانه لا تهجم علیهم اللوابس»^۱ اگر می‌خواهید هجمه‌ها و آن اشتباهات برای شما در زندگی اتفاق نیفتد، باید زمان را بشناسید. یکی از امور مهم انسان‌ها تربیت یک انسان است. فرزندپروری تربیت یک انسان است. سخت‌ترین کار در عالم تربیت یک انسان است. اگر ما حواسمان به امور و زمانه الان نباشد، نمی‌توانیم درست تربیت کنیم.

سوالات

حالا برویم سراغ فرزندپروری که می‌خواهیم در موردش صحبت کنیم. کسی سؤال دارد، مطرح کند.

طلبه: وجه جمع این روایت با روایت «لا میراث کالادب»^۲ چیست؟
استاد: ربط این حدیث با آن ادب چیست؟ ما می‌گوییم اینجا حضرت می‌گوید شما با آداب خودتان، نه ادب، آداب‌ورسوم خودتان در تربیت، اگر قدیم شما به فضای مجازی کار نداشتید، الان پدر و مادرها این‌طور هستند. می‌گویند حاج‌آقا، مگر ما چطور بزرگ شدیم. ما هم رها بودیم در کوچه‌ها، تیله‌بازی می‌کردیم و ماچولاق می‌آوردیم و... اگر من با آن روشی که پدر و مادر من را

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۶.

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۴.

تربیت کردند بخواهم فرزندانم را آزاد بگذارم، درست است؟ نه آن مال آن زمان بود. حالا اینکه آن زمان هم درست بود کاری ندارم. آزادی آن زمان با آزادی الان فرق دارد. آنجا اگر بچه در کوچه می‌رفت، محدوده کوچه مشخص بود؛ ولی همان ایام اگر من، بچه چهارراه عامل مشهد بودم. می‌خواستیم برویم سه‌راه کاشانی، یک جای خلاف، پدر و مادرمان می‌گفتند نه، آنجا دیگر نرو. حالا سؤال این است: الان بچه‌های ما با یک دکمه می‌توانند با بدترین خلاف کارهای عالم اشتراک پیدا کنند و نشست و برخاست کنند، در گروه‌هایی بروند که خبر نداریم چه اتفاق‌هایی می‌افتد. دخترهای ما را راحت می‌دزدند و می‌روند. من خبر دارم! تهران، دخترها را در گروه‌هایی جذب می‌کنند و به‌عنوان رفتن به ترکیه و... می‌دزدند. سرقت انسان.

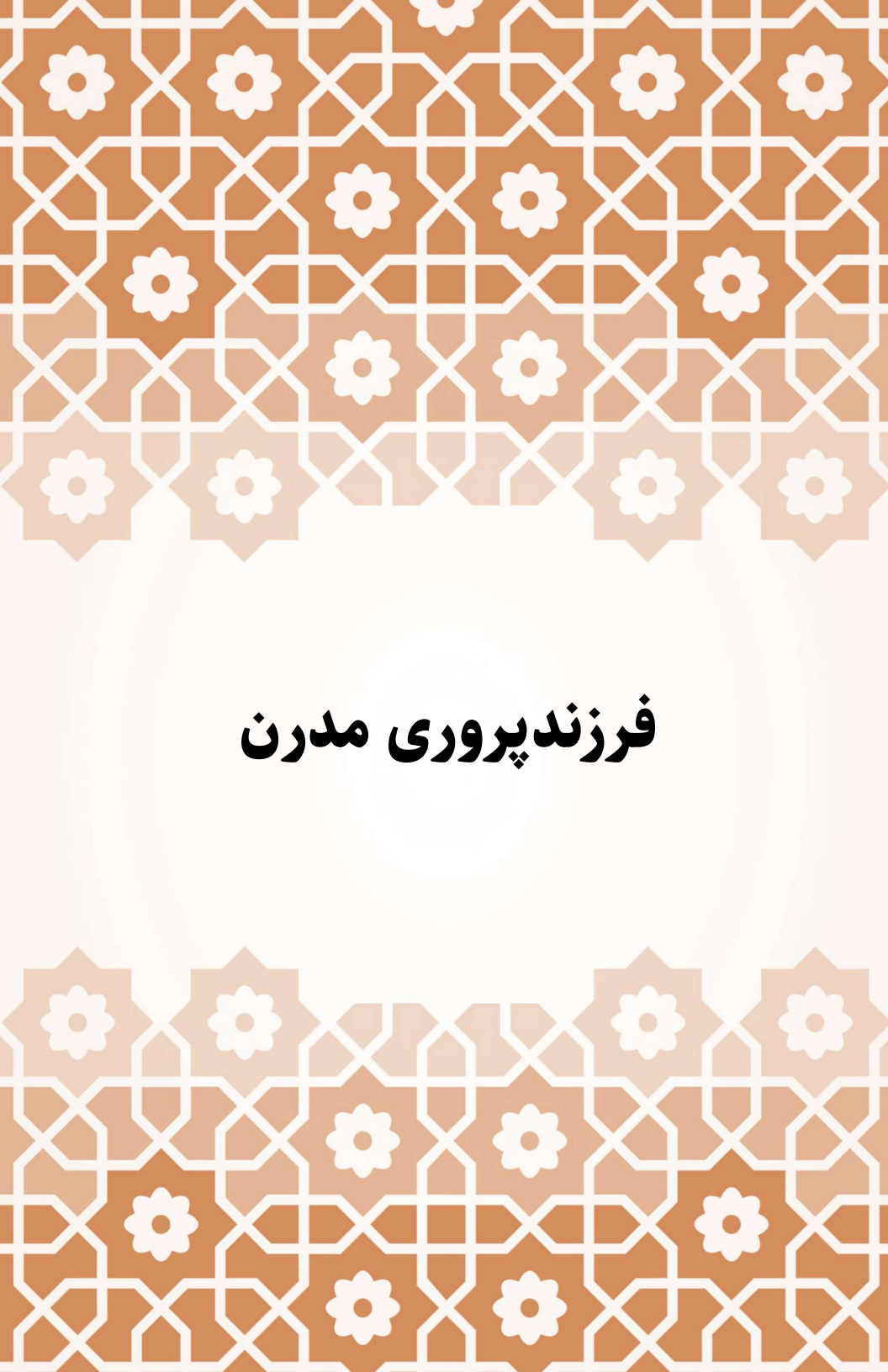
این در فضاهایی هست که ایران ما دسترسی ندارد. چرا بعضی‌ها از فیلتر و... رد می‌شوند، دسترسی به اطلاعات پیدا نکنند. هر کاری می‌خواهند بکنند. آنجا در فضای تلگرام ببینید چه قدر راحت یاد می‌دهند که بچه‌ها مشروبات را تولید کنند و به فروش بگذارند و دخانیات به انواع و اقسام شیمیایی‌اش را تولید کنند و بفروشند. آموزش می‌دهند، آنجا بچه‌های ما در تلگرام می‌روند و اینستا می‌روند، الان من می‌توانم بچه‌هایم را مثل قدیم رها کنم؟ بگویم بچه‌ام سرش در گوشی است دیگر. جایی نرفته است. در خانه نشسته است. بحث سر این است. بحث ادب نیست. بحث ادب نداریم که...

بقیه دوستان هم متوجه منظور شدند؟ شاید کامل توضیح ندادم. من شاید بیش از ۴۰۰ یا ۵۰۰ دوره این کارگاه‌های فرزندپروری را گذاشتم، اخیراً هم در حرم حضرت امام رضا (ع) توفیق شد در رواق حضرت معصومه، ۱۶ جلسه

گذاشتیم که ۱۲ جلسه‌اش در سایت حرم بارگذاری شده و هست. در کانال خودم در ۲۰ مورد سنجاق شده و مورد بیستم، گذاشتم و می‌توانید ببینید.

طلبه: یک سؤال راجع به اینکه فرزندپروری فرایند است، به نظر شما... این فرایند قبل تولد شروع می‌شود یا بعد تولد شروع می‌شود یا... مثلاً در بحث تربیت جنسی، حرف‌هایی که مادر در دوران بارداری می‌زند، حرف‌هایی که می‌شنود و تصاویری که می‌بیند، در تربیت هست؟

استاد: ببینیم در جلسه دنبال چه هستیم؟ به حاشیه نرویم بهتر است. دوستان هم سعی کنند سؤالاتی که الان در هدف جلسه ما نمی‌گنجد، نیاورند. بعد جلسه می‌نشینم که صحبت کنیم. می‌خواهم به هدف جلسه برسیم. مثل اینکه آقای قرائتی بگوید فلان امامزاده، بچه چه کسی بوده است و کجا به دنیا آمده است و بفهمیم که چه شد؟ این چه قدر مهم است که فرایند تربیت از چه زمانی شروع می‌شود؟ بحث علمی است، خوب است. اما الان می‌خواهم بحث مهم‌تری را شروع کنم. حالا که قبل از تولد هم اثر دارد، اینکه الان بچه‌های ما درگیر هستند، این مهم نیست؟ آن را رها کن. فرایند از وقتی است که نطفه ایجاد می‌شود. قبلش رفتارهای ما در فرایند تأثیر دارد، بله. ولی تأثیرش چه قدر است؟ نسبت به نطفه طبیعتاً خیلی کمتر است. نمی‌خواهم بگویم سؤالاتان علمی نیست. من هم پاسخگو هستم. اما بهتر است که بعد جلسه پاسخ بدهم؛ چون به بحث خودمان بپردازیم. فرصتمان زیاد نیست. اگر سؤالاتی که می‌خواهید مطرح کنید، در راستای بحث باشد، خیلی بهتر است. یک صلوات بفرستید.



فرزندپوری مدرن

ضرورت بحث

این بحث آیه قرآن را که همه می‌دانیم «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً»^۱ در تربیت فرزند یکی از مهم‌ترین چیزها که بخواهیم به آن بی‌توجهی نکنیم، همان حرفی که بعضی از پدر و مادرها می‌گویند، می‌گویند پدر و مادرها برای ما چه کار کردند که ما خودمان را بکشیم و دوره بگذرانیم. چون الان اگر والدین برای تربیت فرزند دوره نگذرانند، شک نکنید که اشتباه می‌کنند. شک نکنند که بعداً به مشاورین مراجعه خواهند کرد. شک نکنید که اگر مراجعه نکنند، آن مسیری که آن‌ها می‌خواهند، نخواهند رفت. چون بچه‌های الان نسلی هستند که با نسل قبل فرق دارند؛ حتی اگر آن والد آن زمان روش درستی هم به کار می‌برده است، خانواده سالمی هم باشند، چه قدر خانواده مذهبی دارند مراجعه می‌کنند، دختر و پسر که دختر و پسرهایشان از دست رفتند. چه قدر طلبه‌ها را در دوران مشاوره خودم دیدم که فکر می‌کند که سواد رسانه دارد، فکر می‌کند حالا اینستا را تفنی می‌رویم، خیلی‌ها وقتی به مواد مخدر معتاد می‌شوند، همین حرف را می‌زنند. حالا وقتی وارد بحث اعتیاد به بازی‌های... البته من نمی‌گویم بازی، گیم‌ها... چون بازی از لحاظ علمی، پلی است. گیم همین چیزهایی است که آسیب می‌زند. بازی‌هایی مثل کلش است، مثل کالاف است، بازی‌ها را اسم نیاورم بهتر است.

من سال ۹۰ تا ۹۲، چون طلبه قم بودم، ارشد داشتم اینجا پایان‌نامه می‌نوشتیم، با آقای دکتر آذربایجانی و آقای دکتر مینایی، این عزیزان کمک کردند، آقای دکتر مینایی همین نرم‌افزارهای نور را راحت استفاده می‌کنیم و قدر

نمی‌دانیم، ایشان چون دکترای هوش مصنوعی از آمریکا داشتند و خودشان هم طلبه فاضلی بودند و سطح چهار آن زمان خوانده بودند و آمریکا رفته بودند و به هوش مصنوعی مسلط بودند، من دیدم که مورد خوبی برای استاد راهنمای من هستند، من دیدم تقریباً در پایان‌نامه من بررسی کردم بین بازی‌های رایانه‌ای که بچه‌ها می‌کردند و سبک زندگی‌شان که ببینم آیا بچه‌هایی که بازی می‌کنند و بچه‌هایی که بازی نمی‌کنند، سبک زندگی‌شان تفاوت دارد یا ندارد؟ حدود ۹۰۰ دانش‌آموز را رفتم در مدارس و تک تک تست گرفتم، یک ساعت وقت گرفتم و... این فرایند کار علمی که آمارش انجام شد، یکی دو سال طول کشید. بچه‌ها آن سال، ۹۰ تا ۹۲، فکر می‌کنید چند تا عنوان بازی برای من نوشته بودند؟ من خودم که فکر می‌کردم بازی‌ها را می‌شناسم، در لیست خودم ده تا بازی را آورده بودم. بعد دیدم بچه‌ها نزدیک ۵۰۰ عنوان بازی لیست کرده بودند. حالا خیلی از این‌ها تکراری هم بود، بلد نبودم. رفتم بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای تهران که آقای... آن زمان رئیس بنیاد بودند و آقای حسینی مسئول اسراء بود که رتبه‌بندی بازی‌ها را ایشان طراحی می‌کرد و آنجا ماشالله گیم‌های حرفه‌ای می‌نشستند و بازی‌ها را از اول تا آخر می‌رفتند و رده‌بندی سنی می‌کردند. واقعاً هم بچه‌ها باید بر اساس همین رده‌بندی سنی بازی‌ها را برایشان تهیه کرد.

من همان سال پاساژ قدس قم رفته بودم، دیدم یک بچه هفت یا هشت‌ساله آمد و گفت جی تی ای آخرین ورزش را داری؟ گفت هست. نمی‌دانم ۱۱ یا دوازده بود، گفت چند؟ گفت ۵ هزار تومان. گفتم آقای دکتر مینایی، این بازی جی تی ای در آمریکا چه قدر قیمت دارد؟ گفت در آمریکا بچه‌ها اگر بخواهند این را بخرند، پول یک سال تو جیبی‌شان را باید جمع کنند و اگر بالای هیجده سال نباشند، این بازی را به آن‌ها نمی‌دهند. الان که اندرویدی‌اش آمده

است و مفتی آن را ردوبدل می‌کنند. من در آن پژوهش دیدم که بچه‌هایی که بازی می‌کنند، سبک زندگی‌شان به‌شدت متفاوت بود با کسانی بازی نمی‌کردند. دخترها تأثیرش بیشتر بود. دخترها چه‌قدر این بازی‌ها را انجام می‌دادند و متأثر می‌شدند. این مال چند سال پیش است.

الان چه‌قدر بچه‌های ما درگیر هستند؟ الان وقتی بچه‌ها مراجعه می‌کنند، علائم اعتیاد نمایان است. بعداً علائم اعتیاد را خواهم گفت. با این توضیحی که من دادم، اگر بخواهیم این فرایند را توضیح بدهیم، حتماً باید با نگاه عصر دیجیتال به آن نگاه کنیم، نه نگاه صرف همان قبلاً که فرایندی در ذهن ما بوده باشد و بخواهیم پیاده کنیم. نه الان کاملاً متفاوت است. رویکرد ما باید انعطاف‌پذیر و هوشمندانه باشد. با شواهد علمی باشد که الان بخشی‌اش را اشاره خواهم کرد که در شرایط زندگی معاصر، بچه‌ها نسبت به این ابزارها چه تأثیراتی می‌پذیرند و اگر این روش‌های نوین با قبل تطبیق نشود و با اقتضای زمانه هماهنگ نباشد، آن وقت می‌تواند آسیب بزند و اگر هماهنگ باشد، قطعاً می‌تواند کمک‌کننده باشد. پس این بازنگری نسبت به این موضوع که ما باید حتماً در تربیت فرزند، نگاهمان اصلاح بشود، در آن شکی نیست. بعد هم من چون احساس می‌کنم عزیزانی که در جلسه حاضرند، بحث تربیت فرزند را با این نگاه پکیج و فرایندی که عرض کردم... ممکن است پای سخنرانی بنشینند و بگویند فهمیدیم، نه، تربیت فرزند یک فرایند است که برای همه‌اش تکنیک دارد. کسی در جلسه ما در دوره فرزندپروری شرکت کردند؟ چون شرکت نکردید، بگذارید آن فرزندآوری با نگاه اولیه را به شما بگویم و بعد بروم در فرزندپروری مدرن که بحث مبهم نباشد. یک صلوات بفرستید.

رویکرد سی بی تی در تربیت فرزند

در رویکرد فرزندپروری با رویکرد سی بی تی که عرض کردم، آمدند دو تا مؤلفه را در تربیت دخیل و مهم دانستند. گفتند اگر ما این دو تا عامل را در تربیت بچه‌ها در نظر بگیریم، می‌تواند دوتایش هم باید با هم باشد، می‌تواند به تربیت بچه‌ها کمک کند. در بعد اول یا قطب اول، هر عنوانی برایش می‌گویند، در باک اول می‌گوییم نیازهای کودک و نوجوان را باید بشناسند و پاسخ به آن بدهند. نیازهای واقعی، نیازهای عاطفی، نیازهای هیجانی، نیازهای حقیقی باید پاسخ داده بشود که پذیرش هست، پذیرش به آن معنایی که بچه‌همانی که هست بخواهیم نه آنی که ما دوست داریم و ارتباطمان با بچه‌ها خوب بشود و نیازهای عاطفی‌شان تأمین بشود و از آن طرف توقع داشته باشیم که ما در تعامل با بچه‌ها توقع هم از آن‌ها داشته باشیم و صرف پاسخ به نیاز نباشد.

تیین دو مؤلفه تربیت در سنین مختلف

در بحث دوبعدی که ما الان به آن اشاره کردیم، هم بعد اول، هم بعد دوم، در سنین مختلف متفاوت است. ما بعد اول را فرض کنیم، پذیرش بنویسم و این هم کنترل و نظارت. ما بگوییم تولد تا سه‌سالگی. می‌خواهم از آن رد بشوم. سه تا شش، شش تا دوازده و دوازده تا هیجده، اگر ما بخواهیم از تولد تا سه‌سالگی را نگاه کنیم، پذیرش از جهت درصدی بخواهیم بگوییم چند درصد ما باید پذیرش نیازها داشته باشیم، تقریباً ۸۰ یا ۹۰ درصد باید پذیرش داشته باشیم، حتی ۹۵ درصد. کنترل و توقع داشتن، ۵ درصد می‌شود. با من همراه هستید؟

از سه‌سالگی به بعد، توقع شروع می‌شود. توقع اینجا، توقع تربیتی نیست. توقع تربیتی از اینجا است. توقع در اصل از اینجا شروع می‌شود، وقتی اینجا می‌آید، ۸۰ درصد و بیست درصد می‌شود. این اعداد برای این است که ذهنتان

را نزدیک کند... اینکه می‌گویند بچه زیر هفت سال، نه دیگر ما می‌توانیم از بچه زیر هفت سال هم توقع داشته باشیم. بین سه تا هفت سال ما از او توقع داریم؛ ولی آن روایات سبعة را که داریم، حتماً بروید در مقالات که در کانالم گذاشتم، نگاه کنید که منظور کیست؟ اگر در ذهن خیلی از مذهبی‌ها آمده است که بچه زیر هفت سال باید آزاد باشد، به‌خاطر تصویرهای غلطی است که ما به مردم دادیم. آن روایت الولد سعید سبع سنین که روایت ضعیفی در تمام روایات سبعة است، مضمونش حتی آزادبودن نیست. اگر روایتی به معنای آزادی داریم، یک روایت است که صحیح السند هم هست، روایت امام صادق است: «دع ابنک» فرزندت را رها کن «یلعب»^۱ در حین اینکه بازی می‌کند که بحثش جداست. در بازی از بچه توقع نداریم. هر چه سن بالاتر می‌رود، این توقع متفاوت می‌شود و الان ما داریم می‌بینیم. این را گفتم چون در فضای مدرن هم به آن کار داریم که وقتی بچه‌ها به نوجوانی می‌رسند، باید برعکس بشود. پذیرش ما کم می‌شود و توقع ۸۰ می‌شود. ولی الان برعکس است. این را تقریبی دارم می‌گویم. به این اعداد خیلی سخت نگاه نکنید. می‌خواهم به ذهن نزدیک بشود که الان در تربیت، خانواده‌ها این‌طور نیستند.

بچه‌ها هر چه بالاتر می‌رود، تبلت باید بخری، موتور هم باید بخری، نوجوانان این‌طور هستند. چرا؟ چون سبک‌های تربیتی بر اساس آنچه که در فرزندپروری داریم می‌گوییم، غلط طراحی شده است. اگر این دو تا بعدی که از آن یاد کردیم به همین میزانی که من گفتم، درست هم زمان بالا بیاید، بعد اول که پذیرش است، ۸۰ درصد باید توسط مادر باید پوشش داده بشود. بعد توقع و کنترل و نظارت و مدیریت که مدیریت کند، پدر که متأسفانه در فکر خیلی از

مذهبی‌ها این است که تربیت مال مادر هاست. تربیت هم مال پدر است و هم مادر. هر که سر جای خودش است. پدر سر جای خودش باید این کنترل و نظارت را داشته باشد. اگر نداشته باشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌آید و به نوجوانی که می‌رسد، همین چیزی که گفتم می‌شود. مادر که دیگر نمی‌تواند بچه نوجوان را کنترل کند. پدر هم خودش را کشیده است کنار. حالا کاری به این قصه ندارم. اگر ما می‌خواهیم ببینیم سبک درست تربیتی بر اساس رویکردهای مختلف و حتی اسلامی چیست که این دو با هم توازن داشته باشند و دو تا بعد را درست کنند، الان بعد سبک سهل‌گیرانه، کدام دو تا بعدش بالاتر است و کدام پایین‌تر است؟ باید دوتایشان تعادل داشته باشند تا درست باشند. این‌هایی که سبک‌هایشان خراب است، یکی بالاست و یکی پایین است. سبک تربیتی سهل‌گیرانه، پذیرشش بیشتر است و پذیرش بالا دارد و کنترلش بسیار پایین است.

اکثر والدین در این سبک بچه‌هایشان را تربیت می‌کنند. سخت نمی‌گیرند. گناه دارد، بچه‌ام است. چون خودش سختی کشیده است... نمی‌داند چه آسیبی دارد می‌زند! بعد دیگر در نوجوانی اصلاً نمی‌شود مدیریتش کرد. می‌گوید حاج‌آقا اگر گوشی برایش نگیرم، کله‌ام را می‌کند. اصلاً نمی‌توانم به او بگویم گوشی‌ات را کنار بگذار. ۲۴ ساعت پای شبکه پویاست. در این سبک مستبدانه، برعکس سهل‌گیرانه می‌شوند. اول بالاست. اول پایین است و بعد بالاست. در توقع بسیار بالا. در قدیم‌ها این سبک بیشتر بود.

سبک درست تربیت

سبک درست چیست؟ هر دو به یک‌میزان بالا باشد که هم مادر باید وظیفه‌اش را درست انجام بدهد و هم پدر که می‌شود سبک مقتدرانه. اگر سبک

مقتدرانه بچه‌هایمان را تربیت کنیم، یعنی اگر در محور ایکس و ایگرگ‌ها، دارم از یک بعد دیگر به قضیه نگاه می‌کنم، محور ایگرگ و ایکس اگر ریاضی بلد باشید، این طرفش مثبت است و این طرفش منفی. این طرف مثبت در محور ایکس‌ها، محور پذیرش است و این طرف، نظارت و کنترل است. اینجا دو تا مثبت است و می‌شود سبک مقتدرانه. پاورهایش در کانالم است و می‌توانید کامل نگاه کنید. تست فرزندی‌پروری هم دارد که بتوانند تشخیص بدهند که سبکشان چیست. این پذیرش و کنترل وقتی بالا بود، ویژگی بچه‌ها این‌ها می‌شود. یعنی ما می‌بینیم که عزت‌نفسشان بالا می‌رود که مهم‌ترین امر در تربیت همین عزت‌نفس است. این‌ها را دارم می‌گویم چون می‌خواهم ذهنتان را نزدیک به اصل فرزندی‌پروری بکنم. نمی‌خواهم این‌ها را دانه‌دانه تبیین کنم. در رویکرد اسلامی دکتر پناهی، از اساتید مؤسسه امام خمینی بودند و عضو هیئت‌علمی آنجا هستند، ایشان هم وقتی این کتاب را کردند، این کتاب سبک فرزندی‌پروری با رویکرد اسلامی، همان سبک مقتدرانه، همان سبک نزدیک به سبک دینی و اسلامی ماست.

سوالات

اگر سؤال دارید بگویید.

تلبه: بحث توقع و پذیرش برای ما روشن نشد. توقع والدین از فرزند، فرزند از والدین؟ اینجا وظیفه ماست. من از بچه‌ام باید توقع داشته باشم و از طرفی هم باید به نیازهایش پاسخ بدهم. با همه قوت و ضعف‌هایش بپذیرم و محبت کنم، ارتباطم را خوب کنم، این‌ها همه‌اش تکنیک دارد. اگر بخواهم تکنیک‌هایش را اشاره کنم. من باید نسبت به اینکه با پاسخ بدهم به نیاز بچه‌ام، یکی از کارها پذیرش اوست، پذیرش بچه‌ام است، یکی از کارها این است که

رابطه‌ام را با او تقویت کنم. یکی این است که اگر نیازهای جسمی دارد، تأمین کنم، نیازهای عاطفی دارد، تأمین کنم و پاسخ بدهم. از آن طرف هم توقع داشته باشم. نه اینکه او راست‌راست بریزد و بپاشد، بگویم خودم جمع می‌کنم. از سه‌سالگی به بعد باید خودش جمع کند. آنجا که می‌تواند. در حد توانش. لذا این باک عاطفی که تربیت مادری از آن یاد می‌کنیم که اصل مهمی در تربیت است که باک عاطفی را گفتیم ۸۰ درصد با مادر است و ۲۰ درصد پدر است و برعکس اقتدار. دوتایشان داشته باشند؛ اما دو تا باک تکنیک‌هایی برای خودش دارد که تکنیک‌های این‌ها مفصل توضیح داده می‌شود و در آن ۱۶ جلسه که من فرزندپروری می‌گویم، این‌ها را توضیح می‌دهم که همه این‌ها در بحث‌های روانی کودک است.

اگر سؤالی دارید بفرمایید.

طلبه: در این کنترل، درصد ماکسیسممش صد است. بین صفر و صد است. اینکه هر کدام چه‌قدر کارکرد پیدا کند، آن طرف افزایش پیدا می‌کند. اما آن قسمتی که... هر دو طرف بالا بود، یعنی چه؟

استاد: بالا بودن یعنی اینکه در هر سن به‌حسب نیاز بچه هر دو بالا ببرد. در این سن امکان دارد که من پذیرشم بالاتر برود، در این سن نه، توقعم بالا برود. بالا یعنی اینجا. بالایش این است. این نرمال است. فکر نکنید وقتی می‌گوییم توقع بالا، نه اینکه فکر کنید لباس‌هایش را باید خودش بشوید؛ نه. لذا آن روایت بحث را همیشه می‌گویم، روایت قشنگی است. از امام صادق نقل می‌کنند که پیامبر در جمعی نشستند و می‌گویند «رحم الله من اعان ولده علی بره» خدا رحمت کند پدر و مادری را که بچه‌شان را خوب تربیت کند. یکی می‌پرسد «کیف یعینه علی بره» حضرت می‌فرماید «یقبل میسوره و یتجاوز عن

معسوره»^۱ بپذیر آن چیزی را که می‌تواند؛ اما معسورش را یتجاوز، از او نخواه. در هر سن. این قاعده است. همه‌جا. لذا اینجا هم امکان دارد همین بچه سه سالی که من می‌گویم ۸۰ درصد، امکان دارد بچه سه‌ساله شما اوتیسم دارد و همین ۸۰ درصد زیادی‌اش است. به اقتضای بچه. گفتم عدد و رقم خیلی کار نمی‌گیریم. خواستم همان چیزی که در ذهنتان آمد را درست کنم. بالا که می‌گوئیم، نه اینکه صددرصد. به میزان توانایی بچه که در هر سنی و به هر فرزندی فرق می‌کند. این نگاه کلی فرزندپروری بود که خواستم بگویم و بعد وارد بحث فرزند مدرن خودمان بشوم.

من قبل از اینکه جلسه بیایم، فکر می‌کردم که دوستان روان‌شناسی خواندند و مباحث فرزند را می‌دانند، یک بحث جدیدی را می‌خواستم ضمیمه بحث کنم. اشکالی ندارد. بروید مطالعه کنید و اگر ابهامی هست مطرح کنید. طلبه: توقعی که بچه از پدر و مادرش دارد...

استاد: ما الان در مقام این نیستیم که بچه چه توقعی از ما دارد. خود این غلط است که خیلی از والدین فکر می‌کنند که همه‌جا باید هوای بچه را داشته باشم که ناراحت نشود. یک جایی باید ناراحت شود. بعضی جاها ناکامی‌ها برای بچه‌ها خوب است. پدر و مادری که فکر می‌کنند همه‌اش باید هوای بچه را داشته باشند که آسیب نبیند، دارند آسیب می‌زنند.

طلبه: بعضی وقت‌ها اگر به توقعاتش پاسخ داده نشود، نسبت به پدر و مادر پذیرش ندارد.

استاد: آن توقعی که شما دارید می‌گویید، پذیرش است. اینجا ببینید، این پاسخ‌دهی به نیاز است. این یکی از موارد پاسخ‌دهی به نیازهای کودک است.

پاسخ به نیازهای کودک، این یکی از آیتم‌های ما بود. یکی دیگرش پژوهش بود. یکی دیگر مدیریت و کنترل و نظارت و توقع بود که یکی‌اش مثلاً کنترل است، مدیریت کودک. این دو تا کاری که ما والدین باید با هم داشته باشیم؛ نه اینکه فقط مدیریت کنیم که نرو بیا، بخور و نخور. مدیریت به آن معنایی که می‌گوییم، امر و نهی نیست. بحث‌های مفصلی ندارد. ما نباید در توقع، با سیستم تحریم و تجویزی جلو برویم. باید به شیوه توصیفی جلو برویم. بحث‌های مفصلی دارد و نمی‌خواهم واردش بشوم. همین مباحث ۱۶ جلسه یک ساعت و نیمه بحث دارد. ضبط‌شده‌اش است و دوستان می‌توانند ببینند. اگر سؤالی نسبت به کلیت بحث ندارید، وارد بحث خودمان بشویم. یک صلوات بفرستید.

لزوم شناخت نیازهای نسل دیجیتال

حالا که فهمیدیم در تربیت، هم مدیریت ما مهم است و هم توجه به نیازهای بچه مهم هست، پس باید در نگاه فرزندپروری مدرن، روش‌هایمان تغییر کند. نگاهمان به کودک و نیازهایش متفاوت بشود. اگر ما قرار است به نیازهایش پاسخ بدهیم، باید نیازهایش را بشناسیم. نسل دیجیتال نیازهایش فرق می‌کند. الان نسل دیجیتال به نسل قدیم خیلی متفاوت است. پدرش برایش لباس می‌خرد، بچه‌اش می‌گوید تبلت بگیر، کنسول بگیر و... اصلاً نمی‌داند که نیازهای بچه چیست. آیا این نیازها کاذب است، واقعی است، این‌ها را باید چه کار کند؟ تغییراتی که بچه‌ها خیلی سریع‌تر دارند نسبت به قدیم پیدا می‌کنند. نسبت به محیط، رشدشان متفاوت است. داریم دورانی را می‌بینیم که می‌گویند زوال کودکی است. کودکی را تجربه نمی‌کنند. از بس که درگیر این چیزها می‌شوند، آن احساسات را تجربه نمی‌کنند. قدیم ما خیلی اتفاقات را نمی‌دیدیم. خیلی اتفاقاتی که بین بزرگ‌ترها می‌افتاد، نمی‌فهمیدیم. آن خشم‌ها و غضب‌ها که در

فیلم‌های خشن بچه‌ها الان می‌بینند، ما نمی‌دیدیم. این‌ها در فرایند احساسات بچه‌ها، یک چیزهای دیگری در این‌ها به وجود می‌آید. وقتی مادر می‌آید با بچه که کلکسیون اضطراب‌های مختلف است، نباید تعجب کند. به پدر یا مادرش چسبیده است.

خود این طلاق‌های جدید، این‌ها نکاتی است که ما وقتی داریم می‌بینیم که خود پدر و مادر، خودشان اعتیاد به فضای مجازی پیدا می‌کنند و باعث طلاق می‌شود، این برای بچه‌ها مسئله ایجاد می‌کند. این درگیری بچه‌ها در زمینه اطلاعات که می‌گوییم بمباران اطلاعات می‌شوند، این اطلاعاتی که الان نه فقط بچه‌ها، خود ماها هم درگیرش هستیم، خیلی از این اطلاعات، اطلاعات واقعی نیستند. یعنی ما فکر می‌کنیم که عالم شدیم، فکر می‌کنیم که فهمیدیم. آن چیزی که باید بفهمیم بعضی موقع‌ها به دست ما نمی‌دهند. وارد بحث سواد رسانه نمی‌خواهم بشوم؛ مقوله مفصلی دارد. یکی از مشکلات تفاوت والدین الان با قبل این است که سواد رسانه‌شان خیلی ضعیف است. رسانه آمده است؛ اما سواد رسانه ندارد.

سواد رسانه هم خودش را درگیر می‌کند، خودش دائماً سرش تو گوشی است، من مشاور به او می‌گویم بچه‌ات چه قدر گوشی... می‌گوید همه گوشی دستش است. یک بچه‌ای را آورده بودند، دو سال و نیم بود، پدر و مادرش دو یا سه گوشی برایش گرفته بودند که اگر یکی شارژش تمام شد، آن یکی که در شارژ است را استفاده کند... یعنی لحظه‌ای نباشد که این بدون گوشی باشد. مادری که سواد ندارد، راحت در اختیارش قرار داده است. جالب است، بچه اصلاً خواب ندارد. از خواب‌خوراک افتاده است.

بچه‌ای را در کلینیک حرم آورده بودند، کلاس چهارم بود. این به‌خاطر اینکه با گوشی بازی می‌کرده است، خانواده عینکی نبودند؛ بچه عینک ته استکانی‌زده بود. بچه گفت من یواشکی شب‌ها زیر پتو می‌رفتم و تا صبح با گوشی بازی می‌کردم. بعد چند ماه مدرسه اتفاقی آمده است و این دستگاه‌ها را گذاشتند که ببینند بچه‌ها چطور هستند، مربی بهداشت ما ناراحت که چشم‌هایم نمی‌بیند. گفت به پدر و مادرت بگویی‌ها! من ترسیدم اگر به پدر و مادرم بگویم، می‌ترسم که نگذارند از گوشی استفاده کنم.

باز عدم مدیریت درست گوشی، یعنی مادر و پدر محروم‌ش کردند که غلط کردی... یواشکی می‌رفته بازی می‌کرده است و می‌زده به شارژ. هم از آن طرف آزادی و هم ممنوعیت، هر دو آسیب می‌زند. پس باید بدانیم چه کار باید بکنیم. مثال‌های عینی دارم می‌زنم که بدانید در عرصه کمک به خانواده‌ها بروید، با این چیزها مواجه نخواهید شد و در آینده با بدترش مواجه خواهید شد. با چه؟ با هوش مصنوعی.

خطر هوش مصنوعی

بچه‌های ما در آینده، توسط هوش مصنوعی عقلشان و فکرشان مسخر می‌شود. بروم فکر کنم؟ پرامپت‌نویسی یاد می‌گیرد و به او می‌دهد. این‌طوری است. بچه‌های ما این‌طور می‌روند. بقیه خبر ندارند که هوش مصنوعی چه‌قدر می‌تواند کمکشان کند در همه چیز، از مقاله تا همه چیز. در ماشین داشتم رادیو گوش می‌دادم، گفت یک چالش به هوش مصنوعی دادیم و داریم از او کمک می‌گیریم. صداوسیما همه درگیر هوش مصنوعی هستند و دارند از او کمک می‌گیرند و خودشان فکر نمی‌کنند که بیايند برای برنامه‌شان کاری انجام بدهند.

این‌ها چالش‌های تربیتی است که باید به آن توجه کنیم و از آن غفلت نکنیم و آن توجه فرزندپروری با آموزه‌های اسلامی که اول جلسه گفتم، خیلی مهم است. حالا آمارهای درگیری بچه‌ها در ایران چه قدر خبر دارید؟ چه کسانی می‌دانند که آمار درگیری بچه‌های ما در فضای مجازی چیست؟ ۹۰ درصد بچه‌های ما در مناطق شهری گوشی هوشمند دارند. کسی گوشی هوشمند داشته باشد و درگیر نشود؟ و چه قدر والدین نظارت دارند؟ آن باز یک بحث دیگر. در مناطق روستایی ۶۵ درصد است. حالا میانگین سن شروع استفاده از گوشی هوشمند در بچه‌های ایرانی به هفت سال کاهش پیدا کرده است. نوجوانان ایرانی به طور متوسط روزانه چهار و نیم ساعت در فضای مجازی وقتشان را می‌گذرانند. این آمارها... می‌دانید دیگر در ایران نمی‌شود دقیق در آورد؛ چون آمار را خیلی سخت در این زمینه‌ها می‌دهند. حالا ما می‌گوییم چهار ساعت، چهار ساعت برای منی که در این رشته کار کردم؛ یعنی اعتیاد بچه‌ها به این فضا. حالا به شما توضیح خواهم داد که اعتیاد چیست.

تأثیر فناوری در رشد شناختی و عاطفی کودکان

حالا تأثیر فناوری در بحث رشد شناختی و عاطفی بچه‌ها بر اساس نکاتی که خدمت شما عرض کردم که ما نگاه سی بی تی داریم، سی بی تی که می‌گوییم، یعنی افکار، احساس، رفتار. یعنی شناخت را تغییر بده، احساس را تغییر بده، رفتار تغییر می‌کند. این‌ها دارند با بازی‌ها و فضای مجازی، شناخت بچه‌های ما را تغییر می‌دهند و مهم‌ترین چیز در هوایم‌ای روانی، این است که بچه‌ها به عزت نفس برسند و دقیقاً آن را هدف قرار دادند. اکثر بچه‌های ما که بازی می‌کنند، نگاهشان به خودشان منفی است، من چه قدر بدبختم، چه قدر زشتم، دختر یا پسر. نوجوان ۲۰ ساله بود، نوجوان در ایران را تا ۲۴ سالگی نوجوان

می‌دانیم؛ الا موارد خاص. قاعده بر این است که ۲۳ ساله‌ها هنوز نوجوان هستند به دلائل مختلف، یکی اش بحث‌های فضای مجازی و دیجیتال است. در کل دنیا ۲۴ سالگی و در ایران ۲۳ سالگی. بچه ۲۰ ساله، آشپزی خوب، کارهای هنری عالی، در چند تا کار فنی حرفه‌ای بود، در کامپیوتر استاد بود، جلوی من نشسته بود و می‌گفت من بی عرضه خاک بر سر، چه کسی به من زن می‌دهد؟ من عرضه هیچ کاری ندارم. بعد گفتیم یک عکس از خودت بگیر. گفت نه، قیافه ندارم. به‌زور... بدش می‌آمد که از خودش عکس بگیرد. نگاهش به خودش منفی بود.

آن سلف استیم که می‌گوییم که خیلی مهم است، سلف استیم همان عزت‌نفس است. عزت‌نفس با اعتمادبه‌نفس فرق می‌کند. عزت‌نفس یعنی احساس ارزشمندی که فرد برای خودش قائل است. اعتمادبه‌نفس یک بخشی از این عزت‌نفس است. بچه‌های سر خیابان با اعتمادبه‌نفس از شما پول می‌گیرند، گول می‌فروشند و کمک می‌گیرند؛ ولی معلوم نیست که عزت‌نفس داشته باشند. عزت‌نفس یعنی آن کرامت نفسی که شخص برای خودش قائل است، خودش را پست و بی‌ارزش نمی‌کند. من خیلی عزیز هستم، چرا باید این کار را بکنم؟ نمی‌کنم. جاهای دیگری می‌روم. این با اعتمادبه‌نفس فرق می‌کند و اعتمادبه‌نفس بخشی از عزت‌نفس دارد. کسی که عزت‌نفس داشته باشد، اعتمادبه‌نفس هم دارد؛ اما کسی که اعتمادبه‌نفس دارد، ممکن است یک جا داشته باشد و یک جا نداشته باشد. بد نیست؛ ولی آن چیزی که باید به آن دست پیدا کنیم، عزت‌نفس است.

حالا تغییرات در مغز را بگوییم که اگر ما واقعاً به این عالم نیستیم، بدانیم مسئول هستیم. اینکه فکر ما را دارند تغییر می‌دهند، حواسمان باشد بچه‌های

ما دارند آسیب می‌بینند. اعتیاد به بازی‌ها، اعتیاد به فضای مجازی را دقت کنید. اگر تا الان شش دنگ حواستان نبود، الان باشد. می‌خواهم خوب به این توجه کنید.





اعتیاد به فضای مجازی

تعریف

اعتیاد به این معنا نیست که این دارد زیاد بازی می‌کند، زیاد سرش در اینستا و فیس‌بوک و تلگرام است، زیاد کال آف دیوتی بازی می‌کند. امکان دارد، یک ساعت بازی کند، نیم ساعت بازی کند. پس اعتیاد چیست؟ آدمی که به مواد مخدر معتاد است، مگر چه قدر مصرف می‌کند؟ دو تا پوک می‌زند ده دقیقه یا نیم ساعت، حالش را می‌برد. چرا؟ چون وقتی دارد مصرف می‌کند، چه اتفاقی در سیستم عصبی‌اش می‌افتد و همان بچه که دارد با گوشی‌اش بازی می‌کند و با فضای مجازی درگیر است، آن اتفاق شیمیایی در ذهن او می‌افتد. آن اتفاق شیمیایی که دارم از آن یاد می‌کنم، پردازش اطلاعات یا آسیب‌هایی که دارند می‌بینند چیست؟ آن این است که دوپامین بیش از اندازه در این ترشح می‌شود.

هسته اصلی اعتیاد

دوپامین مسئول آرامش بخشی و نشاط دهنده‌گی است. در هیپروت می‌رود. کیف می‌کند. بعضی از نوجوانان به من می‌گویند بعضی وقت‌ها تا صبح که بازی می‌کنم، به من خلسه دست می‌دهد. خودش به من می‌گفت یک نوجوانی. می‌گفتم من کال آف بازی می‌کنم، بعد از سه چهار ساعت در خلسه می‌روم. در عالم دیگر می‌روم. بازی تمام شد. خودش تعبیر خلسه را به کار می‌برد. یعنی چه؟ یعنی آن دوپامین دارد کار می‌کند. چرا بچه‌ها به درس علاقه ندارند؟ به تفریح، پدر و مادر مهمانی می‌خواهند بروند، حال ندارند. عشقش این مصرف است. مواد مخدر... بروند زیر دیوار و در دستشویی حاضر است مصرف کند؛ اما نرود با رفیق‌هایش بازی کند و نرود کباب بزند. می‌گوید شما بروید کبابتان را بخورید،

من اینجا حالم را می‌برم. چرا؟ چون این دوپامین اینجا تولید شده و سیستم مغز را نابود کرده است.

بچه‌ای هم که درگیر بازی شده است، اگر به‌زور هم از او نگیری، بازی هم نمی‌کند و گوشی آن طرف است، تو را خدا گوشی... این اعتیاد است دیگر. تا زمانی که این در اختیارش هست و می‌تواند ده دقیقه بازی کند، این اعتیاد دارد. پس نگویند حاج‌آقا همه بچه‌ها معتاد هستند؟ نه. می‌خواهم بگویم حواستان باشد، این علامت‌های اعتیاد است. بخوایم دانه‌دانه علامت‌های اعتیاد بگویم، هفت یا هشت تا علامت است. علامت هشداردهنده می‌خواهم به شما بدهم که شما به‌عنوان کسانی که می‌خواهند در این زمینه‌ها کار کنید، بدانید. راحت از کنار این‌ها رد نشوید. بچه‌های ما واقعاً دارند قلع‌و‌قمع می‌شوند و هیچ‌کس به داشتن نمی‌رسد. فکر نکنید همه مشاورها این‌طور هستند.

ضرورت اقدام در حوزه هوش مصنوعی

من با مشاورین مجموعه‌های مختلف که من خودم دبیر و مدیر بودم، تا این درس را مطرح می‌کردم، گفتم چه کسانی در این زمینه کار کردند؟ گفتند هیچ‌کس. اصلاً در ذهنشان نبوده است. من از سال ۹۰ که درگیر این موضوع شدم، در آخر رساله یا پایان‌نامه‌ام نوشتم هر مشاور باید رژیم مصرف رسانه مراجعینش را حتماً چک کند. مشاورین اصلاً این کار را نمی‌کنند. چون من می‌دانم این دارد چه آسیبی به جامعه می‌زند.

مهم‌ترین چیزی که حضرت آقا می‌گویند و الان در جامعه ما مهم است، چیست؟ فضای مجازی. فضای مجازی را با تعابیر مختلفی تبیین کردند. آخرین تبیینی که در دانشجویها و نوجوانان آذربایجان داشتند، این بود که بروید آن جایی بایستید که دشمن دارد افکار مردم را تغییر می‌دهد. حالا در بازی‌ها، افکار

بچه‌های ما را تغییر می‌دهند. دارند سیستم پاداش و تنبیه را تغییر می‌دهند. آنجا تو فحش بدهی، به تو لایک می‌دهد. حرف خوب بزنی، مسخره‌ات می‌کند. دارد سیستم را آنجا تغییر می‌دهند. واقعیت دارد اتفاق می‌افتد. زبان فارسی بچه‌ها را دارند تغییر می‌دهند. خیلی راحت. آقای حداد دارد خودش را می‌کشد؛ ولی چه فایده. تو نمی‌دانی رسانه دارد کار می‌کند. رسانه ما هم در مقابل او هیچ کاری نمی‌کند. در مقابل او هیچ است. او خیلی دارد قوی کار می‌کند. انیمیشن کار می‌کند، انیمه درست می‌کند. بچه مسجد در همین مسجد ما، ۱۵۰۰ قسمت انیمه را دیده است. زبان کره‌ای یاد گرفته است که بتواند در مسابقه شرکت کند و بقیه انیمه‌ها را به او بدهند.

یعنی نوجوان ما این‌قدر توانایی دارد که زبان هم یاد بگیرد و شرکت هم بکند و قبول هم بشود. ما نوجوان را اصلاً آدم حساب نمی‌کنیم. امام به نوجوان‌ها ارزش قائل بود، توجه داشت و به آن‌ها رشد داد و جنگ هم راه انداخت و آن‌ها پای دفاع ایستادند.

در عرصه جنگ رسانه‌ای که آقا مطرح کردند، اگر ما این حرف‌ها را به جوان‌ها نزنیم، همین جوان‌ها جلوی شما ایستادند. چون آقا از مسئولین دیگر... چند سال است که می‌گویند جهاد تبیین، آتش‌به‌اختیار، چون واقعاً باید کار می‌دانی اتفاق بیفتد و این تبیین من و شماست که این جوان‌ها را می‌تواند در عرصه بیاورد و هم جوان‌ها و هم خانواده‌ها را نجات بدهد و هم آدم‌هایی که متخصص هستند، بچه‌های اینجا که دارند با هوش مصنوعی کار می‌کنند، کسانی که حتی بعضی‌ها که در کل کشور دارند کار کلان انجام می‌دهند، به آن‌ها هم تذکر می‌دهم که بیا باید کار کلانی انجام بدهیم که در مقابل این هجمه دشمن بتوانیم بایستیم و آسیب‌های آن‌ها را بگیریم.

لزوم استفاده از راهکارهای جایگزین

بحث‌های بعدی را فقط اشاره کنم، نمی‌خواهم توضیح بدهم. خواستم در رابطه با آسیب‌شناسی رفتاری بیشتر توضیح بدهم که بدانیم التدبیر قبل العمل یؤمنک من الندم. اگر ما تدبیر نکنیم، بعداً پشیمانی‌مان کم خواهد شد و الان بحث‌های من، هشدارهایی که نسبت به اعتیاد بچه‌ها دادم و پیامدهایی برای شما گفتم، نشان می‌دهد که ما باید کار کنیم و پروتکل‌های درست درمانی برای این‌ها طراحی کنیم که واقعاً داریم و به ما نمی‌دهند. دوستان من که رشته‌شان همین بود، حتی کشورهای مختلف که می‌خواستند پروتکل‌ها را دریافت کنند، نمی‌دادند. ایران ما کار نکرده است، آن‌هایی هم که کار کردند، نمی‌دهند. پس ما باید خودمان... همان‌طور که در انرژی هسته‌ای جهاد کردیم و خودمان کار کردیم، اینجا هم باید خودمان کار کنیم. راهکار وجود دارد و ان‌شاءالله بتوانیم از این راهکارها برای نجات بچه‌ها و نوجوان‌ها استفاده کنیم و خانواده‌ها را هم آگاه کنیم که آن‌ها هم بهره‌مند بشوند و آن نکته اصلی که در تربیت مهم است و آن‌ها رویش دست گذاشتند. با حرف شهید مطهری تمام کنم، هر چه بیشتر مطالعه کردم و هر چه...

راهکارهای جایگزین داریم که بازی‌های فیزیکی را بیشتر بچه‌ها را سوق بدهیم و وجود دارد و ما تجربه کردیم و کارهای خوبی می‌شود انجام داد. من خودم از قدیم شاگرد آقای راستگو بودم، در دفتر تبلیغات، ره‌توشه‌های قدیم را ما می‌نوشتیم، الان حاج‌آقای حقیقت هستند، و آن‌ها دارند کارهای خوبی... کارهای می‌دانی و بازی‌های خوبی طراحی می‌کنند. نمی‌خواهم فقط بگویم آن. کارهای زیادی می‌توان انجام داد. یکی از آن‌ها این مدل کارهاست و آن جمله شهید مطهری را اینجا برایتان آوردم. شهید مطهری می‌گویند هر چه بیشتر

مطالعه کردم، بیشتر به این فکر اعتقاد پیدا کردم که در اخلاق اسلامی، محور و آن چیزی که حجم اخلاقی به دور آن می‌گردد، یا به تعبیری که امشب گفتم، آن نقطه‌ای از روح انسان که اسلام روی آن دست گذاشته است برای احیای اخلاق انسانی، برای اینکه انسان را به‌سوی اخلاق سوق بدهد، کرامت و عزت‌نفس است. و همین را دست گذاشتند و در فضاهای مجازی و بازی‌های کال آف که چه بلایی سر بچه‌های ما می‌آورند، دارند آن آسیب را می‌زنند و ان‌شاءالله که ما بتوانیم با آگاهی بیشتر خودمان و آگاهی دادن به آن‌ها و تبیین درست، آن‌ها را از این مسیر نجات بدهیم و اگر خودمان هم درگیر می‌شویم، خودمان بر حذر باشیم از این‌ها به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.



سؤالات پایانی

مجری: خیلی ممنونم از استاد عزیز و دوستان عزیز. دوستان اگر سؤال می‌خواهند بپرسند، استاد تشریف دارند. من جلسه را ختم می‌کنم. دوستانی که کلاس دارند بروند. و الحمدلله رب العالمین.

نسل جدید: ذهن‌های کوچک‌تر یا پیشرفته‌تر؟

طلبه: باتوجه به نکاتی که فرمودید، رسانه و فضای مجازی دارد می‌زند؛ ولی ما الان داریم می‌بینیم که هر چه نسل جلوتر آمده است، تکنولوژی هم این‌طوری است، پیشرفت و هوش بچه‌ها بیشتر شده است. استاد: دو تا مقوله است.

طلبه: مثلاً بچه‌های خودمان، اگر گوشی‌ام را به پدرم می‌دهم و همین‌الان بلد نیست کار کند؛ ولی به بچه چهار یا پنج‌ساله، یکی دوبار ببیند فوری یاد می‌گیرد.

استاد: اگر زمان ما هم که کوچک بودیم، ما هم از آن در می‌آوردیم. اینکه الان پیرمرد نمی‌تواند، این است که توان بچه را ندارد. الان شما خودتان نگاه کنید. من نزدیک ۵۰ سالم است. در این چیزها سر رشته دارم اساسی. ولی بعضی موقع‌ها می‌بینم که بچه خود من یک چیزهایی را می‌داند که من خودم نمی‌دانم؛ چون ما آن مقدار کشش را نداریم. مثلاً بازی می‌کند، من هم بازی می‌کنم؛ سرعت عمل او بسیار بالاتر است. توانایی او بالاتر است. چون سن من بالا رفته است.

من قدیم همه این‌ها را بازی می‌کردم، بازی‌های تحرکی دارم، ولی سن که بالا می‌رود، پاها و عضله‌ها کشش ندارد. حتی مغز هم کشش ندارد که بعد از یک مدتی جلو برود. نمی‌تواند. آن که پیرمرد است، واقعاً نمی‌تواند. نه اینکه بگوییم این‌ها نسل قدیم است. طبیعتاً خود شما هم نسبت به فرزندان خودتان

همین اتفاق می افتد و فرزندان ما هم نسبت به قبلی ها این اتفاق برایشان می افتد. همیشه همین بوده است.

من در رانندگی شاگرد پدرم بودم. زمانی که او راننده بود، دسته یک داشت، ماشین سنگین می راند و حرفه ای؛ اما الان من اصلاً نمی توانم که بگذارم پدرم پشت ماشین بنشیند. سنش بالا رفته است؛ نه آن اعصاب را دارد، نه آن تسلط و نه آن سرعت عمل من را دیگر دارد. پارک دوبل را می ترسد. من سریع...

طلبه: بالاخره الان ما داریم می بینیم این پیشرفت ها و این تکنولوژی در همین لپ تاپی که جلوی شماست، این ها را که دهه چهلای ها که درست نکردند. استاد: موضوع بحثمان سر چه بود؟ هشدار و آسیب ها بود. این ها که اسباب خوبی هستند. هوش مصنوعی را گفتم استفاده کنید؛ اما حواستان باشد که مسخر نشوید. در کام دشمن نیفتید.

طلبه: شما می فرمایید حجم مغز را دارد کم می کند. چطور حجم مغز را کم کرده؛ ولی هوش آن قدر بالاست که هی دارد پیشرفت می کند.

استاد: دو تا چیز است. حجم مغز که می گویم این است که این بحث آسیب به لب پیشانی می زند. یعنی این بچه، توجه و تمرکزش کاهش پیدا می کند. یعنی در مدرسه می آید و درگیر اختلال یادگیری می شود. قدیم بچه ها دوز اختلال یادگیری شان خیلی کم بود. الان دیگر حوصله نمی کند که بنشیند یک صفحه مشق بنویسد. یک خط که می نویسد، حوصله ندارم. اکثر بچه ها این طوری هستند. هوش دارد؛ اما حوصله ندارد. آسیب دارد جای خودش وارد می شود. هوش هم به فراخور خودشان متفاوت هستند. ممکن است بچه شما با بچه های دیگر متفاوت باشد. هوش، ما می گوئیم آی کیو با آی کیو متفاوت است. آی کیو، هوش هوش بهر است که ژنتیکی است و قابل ارتقا نیست. اگر بخواهد ارتقا پیدا

کند، ۲۰ درصد ارتقا پیدا می‌کند؛ ولی ای کیو هوش هیجانی که ما از نگاه دینی، من خودم به آن تقوا می‌گویم؛ هوش هیجانی یعنی کنترل و مدیریت احساسات و هیجانات فرد. هر کس به احساسات و هیجاناتش تسلط بیشتری داشته باشد، هوش هیجانی‌اش بالاتر است. این همان تقوای دین ماست که هر جا که خواستی حرفی بزنی و کاری بکنی، دقت کن. عجله نکن. احساسات خودت را کنترل کن. زود برآشفته نشو. این دو مقوله جدا از هم هستند.

کنکاش در جمع دو روایت مطرح‌شده

طلبه: ناظر به سؤال اول جلسه که پرسیدم، گفتم شاید آن موقع صلاح نبود که ادامه بدهم، گفتید که چه ربطی دارد بین میراث الادب و لا تقصروا اولادکم علی آدابکم، من همین روایت لا میراث کالادب را دنبال کردم و بزرگان شرح دادند، یادم است همان جا می‌گفتند که ادب را اینجا به تربیت بگیرید و حالا ربطش این بود که اگر قرار است که ما فرزندانمان را با آداب خودمان تربیت نکنیم، هر زمانی یک چیز مخصوص به خودش را داشته باشد، از این طرف نمی‌توانیم ملزم بشویم به لا میراث کالادب. آنجا حضرت دارند می‌گویند هر فرزندی، آداب و تربیت زمان خودش را دارد؛ ولی تضادش اینجا بود که اگر یک پدری می‌خواهد به فرزندش خیر برساند، باید آن ادب‌هایی که خیلی خوب هست را به پسرش انتقال بدهد.

استاد: چون طلبه هستید، این بحث‌ها خوب است. اول باید آن ادب را که می‌گویند تربیت را بحث کنیم. ادله بیاوریم و ثابت کنیم. بحث‌های فقهی و روایتی است. چرا ادب را تربیت معنا می‌کنند. دلیلشان چیست؟ در روایت که نمی‌توانیم از نص دست برداریم. طلبه هستیم. مردم تعبیر و حرفی به کار می‌برند یک حرفی است.

حتی اگر ما بگوییم ادب می شود تربیت، حضرت گفته است که لا میراث کالتربیه. باز هم ربطی به بحث ما ندارد. ما می گوئیم همان تربیتی که همان امام گفته است، همان امام... دو تا روایت متناقض هم نیستند. یکی می گوید تربیت مهم است؛ بعد می گوید حواست باشد، تربیت بر اساس زمان باید اتفاق بیفتد.

طلبه: من در ذهنم این است که آن تربیتی که پدرش داشته است، از گذشتگان و... باید انتقال بدهد.

استاد: آها. آن تربیتی که در ذهن شما آمده است، یعنی آن آداب و رسومی که داشته است، مثلاً من نمازخواندن را باید به بچه ام آموزش بدهم که او هم یاد بگیرد. اصلاً اینجا که حضرت به این اشاره نمی کند. روش ها را دارد می گوید. اینکه بچه ات را با چه روشی می خواهی به نمازخواندن مشغول کنی، مهم است. آن روش با روش الان فرق می کند. مثال واضحش این است. قدیم اگر می زدند، اثر هم داشت. اصلاً هم بد نبود. تنبیه بدنی اشکالی نداشت. ولی الان دیگر نمی پذیرند. زمانه فرق کرده است. قدیم می گفتند هر که چوب معلم نخورد، خل است. اثر هم داشته است. آن زمان همه می پذیرفتند، پدر و مادر هم اعتراض نمی کردند، بخورد که یاد بگیرد و... احساس حقارت هم به او دست نمی داده است. آن احساس حقارتی که الان به بچه ها دست می دهد، آن زمان خیلی دست نمی داده است. لذا نمی توانیم بگوییم... آن روش باید بیاید. ولی تربیت، حضرت می گوید تربیت خیلی مهم است. حواست باشد که روش هایت را مناسب بچین. حتی امکان دارد که خانواده با خانواده روشش فرق کند...

استاد: نگاه کنید همان بحث مدیریتی که من اینجا گفتم، باید مدیریت بشود. من الان بچه هایم در خانه از اینترنت استفاده می کنند. چهارتا بچه دارم،

۲۱ ساله دارم، ۱۵ ساله دارم، ۹ ساله دارم و ۷ ساله دارم و این‌ها گوشی فقط دو تایشان دارند، دو تای دیگر گوشی ندارند. از کامپیوتر استفاده می‌کنند و از اینترنت استفاده می‌کنند، ولی با مدیریت. یعنی می‌خواستم این‌جا سر نخ بدهم که بروید در بیاورید. حالا اینجا یک بحث مفصلی را بگوییم که این مدیریت رسانه‌ای چیست. یک بحث مفصلی دارد که مدیریت رسانه‌ای نسبت به بازی‌ها یک‌جور است، نسبت به فضای مجازی یک‌جور است. انواع بازی‌ها داریم، انواع فضای مجازی داریم، بعضی فضای مجازی ممنوع است، بعضی بازی‌ها ممنوع است و بعضی بازی‌ها مجاز است. بازی‌های آموزشی، بازی سبک زندگی، مثلاً بازی سیمز بازی سبک زندگی است، دخترها هم بازی می‌کنند. خوب است برای بچه‌ام که بازی کند؟ باید بازی‌ها را بشناسیم. اگر سواد ما پایین باشد و ندانیم، لذا آنجا بحث می‌کنیم. اگر نمی‌دانی، اشکال ندارد؛ از خود بچه‌ات یاد بگیر. با خودش به توافق برس. حالا بحث مفصلی دارد، اگر نوجوان باشی، مدیریت یک‌جور است و کودک باشی یک‌جور است.

متأسفانه در این موضوع، حرف‌ها جسته‌گریخته این طرف و آن طرف است. مستقل یک کتابی باشد، الان من حضور ذهن ندارم.

یک کتابی را یکی از دوستان ما در قم نوشته است، دادند به من و ویراستاری‌اش کردم. انتقاداتی داشتم و... به آن کار نداشتند. گفتم این روش و پروتکل درمانی کامل نیست؛ ولی آن را کامل کردند. از دو جا هم کتاب چاپ شد. پایان‌نامه‌اش بود. خوب است و قابل استفاده است. من یک لحظه جستجو بزنم. اگر برایتان بیاورند.

ببینید نکته‌ای که وجود دارد، این است که خود ما طلبه‌ها، دقت کنید از اینکه سؤال پرسیدند، یک بخشی‌اش خواندن مطالعه و کتاب است. حالا من در

بحث‌های خودم که وارد می‌شوم و توضیح می‌دهم، می‌گویم خواهشا از تجربه‌های خودتان دست برندارید. از همین الان تجربه‌های خودتان را یادداشت کنید. یعنی شما مثلاً یک فامیلی دارید، یک بچه این‌طوری دارد. گزارش می‌دهند. یا از بچه‌های محل... من در همین اعتکاف امسال در ماه رجب، بچه‌هایی که مسئول اعتکاف نوجوانان بودند گفتند حاج‌آقا ما، موقع نماز صبح گوشی‌ها را می‌گرفتیم و موقع افطار گوشی‌ها را می‌دادیم. بچه‌ها روزه موبایل هم داشتند.

گفت حاج‌آقا باورتان نمی‌شود، ما سفره افطار را پهن می‌کردیم، این‌ها ده دقیقه یک ربع بعد می‌آمدند. سرشان در گوشی‌هایشان بود. گرسنه بودند. بچه‌ها درگیر هستند. این‌ها چیزهای مهمی است که خودمان آگاه بشویم و گزاره‌ها را در بیاوریم و بعد ممکن است ما یک سری راهکارهای محلی پیدا کنیم. امکان دارد من به اقتضای تجربه‌های خودم و خانواده که توانمندی‌هایی که دارند، یک چیز بومی در بیاورم. لازم نیست حتماً در کتاب‌ها باشد.

طلبه: همین الان گفتید تربیت مقتدرانه، فضای نزدیک به اسلام است... استاد: این‌ها همه بحث‌ها هست. اصل بحث مدیریت بچه‌ها که هست؛ ولی اینکه ریز بشوند که دقیقاً باید چه کار کنند، نگاه کنید، شما کتاب فرزندآوری که در کانالم معرفی کردم بروید بخوانید. همه مباحث را آنجا دارد؛ یعنی شیوه مدیریت بچه‌ها در عرصه‌های رسانه‌ای را دارد؛ ولی اینکه دقیقاً چه بازی را بازی بکنند، هر زمان یک بازی جدیدی می‌آید. آن زمان که ما درگیر چیز بودیم، الان کال آف است، آن موقع کلش بود. اعتیاد وحشتناکی بعضی‌ها دارند. الان کال آف، بعضی‌ها جی تی ای. این‌ها چیزهایی است که به اقتضای زمان است.

پیامدهای محدودیت کودک

طلبه: الان نمی‌شود گفت که کلاً بازی‌کردن، حتماً انجام بشود تا بچه عقده‌ای بار نیاید...

استاد: گفتم دیگر بستگی به بازی دارد، بستگی به میزان بازی دارد. هر نوع وسیله، آسیب به مغز می‌زند. چون سلول‌های مغزی رشد می‌کند. بعد از دوسالگی دیگر تقریباً روند رشد به یک ثباتی می‌رسد. مهم‌ترین آسیب به لب پیشانی است. زیر دو سال. این لب پیشانی مرکز توجه و تمرکز است. شما دقت کن. از طرف من دقت کن. بچه‌هایی که در خانواده‌های شما، زیر دو سال، پای تلویزیون می‌نشستند و گوشی دستشان می‌دادند، این‌ها شک نکنید که در درس خواندن دچار مشکل می‌شوند. نمی‌توانند. من اکثراً در مراجعینم می‌بینم. تا می‌آید می‌گویم بچه زیر دو سال چطور بوده است؟ مادر می‌گوید ما اصلاً کاری به کارش نداشتیم.

طلبه: پس در خانه نباید تلویزیون باشد؟

استاد: وقتی می‌گویم پدر و مادر باید آگاه باشند و جلوی بچه‌ها گوشی نگیرند، یعنی همین دیگر. وقتی پدر و مادر دائماً سرش در گوشی است... چرا حذف در ذهن می‌آید؟ من الان فیلم مثبت چهارده نگاه می‌کنم با خانمم و دختر بزرگم، ولی بچه کوچکم را مدیریت می‌کنم. پس می‌شود. آن را مشغول می‌کنم در اتاق با بازی‌های جذاب، راضی هم هستند. ما فیلم خودمان را نگاه می‌کنیم. اشکال دارد؟ پس شدنی است؟ من با این گوشی باید ایتا را چک کنم. کی چک می‌کنم؟ قبل اینکه می‌آیم در خانه. وقتی می‌خواهم غذا بخورم گوشی دستم نیست. بعضی‌ها متأسفانه هر جا می‌بینی گوشی دستش است، دستشویی هم می‌رود، با گوشی دستشویی می‌رود. معتاد شده و خودش حالی‌اش نیست. پدر است، مادر است. در آشپزخانه همه‌اش سرش در گوشی است. این مادر

خودش درگیر است و بچه‌اش هم دقیقاً درگیر است. پس در مقدمات والدین ما گیر هستند. آن ریزی که شما دنبالش هستید... همین اطلاعاتی که من دادم را به برخی والدین بدهید، از خیلی آسیب‌های جدی‌تر جلوگیری می‌کند. بعد هشدار که می‌دهی، بعضی اوقات بر می‌گردند و بعد می‌پرسند چه کار کنم؟ مدیریت کن. وای‌فای را رمز بگذار. گوشی مادر قفل ندارد. بچه یواشکی می‌رود زیر پتو و تا صبح مادرش نمی‌فهمد.

اگر این‌ها را والدین رعایت نکنند، می‌گویند حالا حاج‌آقا چه کار داری؟ چه می‌شود. بگذار نگاه کند.

طلبه: عقده‌ای بار نمی‌آید؟

مدیریت صحیح؛ ضمانت سلامت روانی کودک

استاد: گوشی می‌دهم، با مدیریت.

طلبه: بچه تا دو سال... بچه می‌رود مهمانی، تلویزیون است، توجهش

جلب می‌شود.

استاد: این‌ها چیزهای غلطی است که در ذهن ما جا دادند. یک اتفاق را در تربیت آن قدر بزرگ می‌دانیم. مثل آن سوزنی که به انار زده و خورده، می‌گویند دزدی‌اش به خاطر آن بوده است. کاری ندارند که چه قدر می‌تواند اثرگذار باشد. یادتان آمد قصه چیست؟ یکی از علمایی است که بچه‌ای داشته است، خانمش در دوران بارداری، خانم‌ها هوس می‌کنند، هوس کرده بوده و سوزنی به انار زده و مزه انار را خورده است. انار را ندزدیده است. سوزن زده و خورده است که ویاارش

از بین برود؛ انار مال مردم بوده است. در مغازه بوده است. بعد بچه‌اش یک خطایی می‌کند و یک چیزی می‌دزد. آن عالم به او می‌گوید تو یک کاری کردی! بعد خانمش می‌گوید قصه ما آن است.

حالا ما قصه آن عالم، قصه‌ای که یک در هزار بتوانیم بفهمیم این مال آن است، آن یک‌بار دیدن بچه در مهمانی، یک‌بار مادر من بچه‌ام را دعوا کند که امکان دارد آسیب ببیند... اگر تو هر روز می‌روی خانه مادرت، این اشتباه است. هفته‌ای یک‌بار که همیشه نمی‌شود. هفته‌ای یک‌بار کلاً در سال چند دقیقه می‌شود؟ ولی وقتی حواست باشد در خانه مدیریت می‌کنی. جایی که نمی‌توانی وظیفه‌ای نداری. حتی در خانه مادرت هم من بعضی اوقات در خانه مادرم هم می‌توانم مدیریت کنم. من خودم در خانه مادرم بعضی اوقات مدیریت می‌کنم. بچه‌ها تلویزیون در مهمانی خاموش. آن هم قابل مدیریت است. آن‌ها می‌خواهند فیلم مورد علاقه‌شان نگاه کنند، سریال پایتخت است. خیلی سخت نگیرید. گفتم در فرزند مدرن، انعطاف‌پذیری خیلی مهم است. اینکه دگم باشیم که اصلاً و ابداً که نمی‌شود زندگی کرد. رها نباشیم که بچه سه تا موبایل داشته باشد یا از آن طرف دگم باشیم که یواشکی زیر پتو برود. دو تا مثال زدیم که بدانید که این وسط باید کاری بکنید که مدیریت کنید و آسیب هم نزنید. حتی گوشی می‌خریم برای بچه‌هایمان. تا جایی که می‌توانیم، نخریم. سن ندارد. چون ممکن است هنوز بچه شما درگیر نشده است. اما یک وقت است که در هفت‌سالگی همه دوستان و فامیل همه دارند و می‌گویند فلان.

حالا شاید خریدن مقدمه کار من نباشد. امکان دارد گوشی مادر را دستش بدهد و پزش را بدهد، حس حقارتش را از بین ببرند، هر بازی را که بخواهد نصب کند، چون مالکیت آسیب دارد، بعد دیگر نمی‌توانی مدیریت کنی به آن معنایی

که خودمان می‌خواهیم. می‌گویند مال خودم است. نمی‌خواهم، نصب می‌کند و نمی‌توانی کاری‌اش بکنی. مدلت ضعیف می‌شود. اصلاً اعتیاد به مواد مخدر، می‌گویند بدترین اعتیاد، آن‌هایی که پروتکل دارند در کمپ و... می‌گویند بدترین اعتیاد به آن مواد مخدری است که در بازار خیلی زیاد است. یعنی تا ترک کند، سر خیابان به او می‌دهند و خیلی راحت گیرش می‌آید. بچه که گوشی مال خودش باشد، خیلی راحت‌تر درگیر می‌شود. تو هر چه قدر بخواهی مدیریت کنی، مال خودش بوده است و برداشته است. ولی مال خودت، باز بیشتر قابل مدیریت است. نوع مدیریت باید درست بشود.

تربیت جنسی

طلبه: در مورد تربیت... شما گفتید الان بحث مسائل جنسی خیلی پایین آمده است. این نیاز است که همین‌طور که سن پایین آمده است، آموزش‌ها را هم از سن پایین شروع کنیم؟ یا خیلی به آن دامن نزنیم.

استاد: حالا بحث تربیت جنسی را من مفصلاً عنوان کردم و در کانال هم می‌شود پیگیری کنید. اصلاً تربیت جنسی، آن چیزی که در ذهن ما هست، اگر درست اتفاق بیفتد، از سن ۵ سالگی و هفت‌سالگی نیست. از لحظه تولد بچه‌ها تربیت جنسی شروع می‌شود. وقتی من می‌گویم از همان زمان شروع می‌شود، یعنی موقع پوشک گرفتن می‌پرسد، قشنگ باید به او توضیح بدهی. وقتی می‌گویند پدر چرا این‌طوری است و شما چرا این‌طور نیستی، باید به او توضیح بدهی. خیلی از والدین این کارها را نمی‌کنند. وقتی نمی‌کند، بچه در ۴ تا ۶ سالگی که اوج کنجکاوی جنسی بچه هاست و بچه‌های نسل جدید اینجا کنجاوی‌شان خیلی دقیق‌تر و عمیق‌تر است، چون این کارها را از قبل نکرده است و رابطه مادر با بچه خراب است و آن اتفاق نیفتاده است. بچه نمی‌آید از

مادر بپرسد، از جای دیگر می‌پرسد. سؤال‌های بچه را باید پاسخ بدهی در حد فهمش.

طلبه: مادر بچه می‌گفت که بچه نباید در اتاق ما بخوابد.
استاد: باید قشنگ به او بگوید. ما زن و شوهر هستیم، زن و شوهرها باید کنار هم بخوابند. بچه‌ها باید جدا بخوابند. قانون است. بچه باید بفهمند.
طلبه: کنجکاوی‌اش بیشتر می‌شود.

استاد: چه بخواهی و چه نخواهی، بچه حساس می‌شود که چرا شما با هم می‌خواهید. می‌خواهد بداند. باید قانون بگذاری. سوراخ و سمبه‌ها را باید ببندی. فکر نکن که الان بچه را بیرون کنی، از سوراخ در نگاه نمی‌کند. چرا الان بچه‌ها این کار را می‌کنند. قدیم هم می‌کردند. صدایش را در نمی‌آوردند. ولی ما باید پیشگیری کنیم. زمینه‌های آسیب را از بین ببریم. وقتی من می‌دانم الان بچه در سن کنجکاوی است، تا یک مقطعی مدیریت می‌کنی و آسیب را از جلوی بر می‌داری؛ اما اینکه به تو ربطی ندارد، بی‌ادب، بیشتر کنجکاوش می‌کند. نه، هر کس باید در اتاق خودش بخوابد. چه چیز دیگری می‌خواهی بگویی؟ بگو.

باید روشن بشود. ما می‌گوییم در خانواده مرزهای بین بچه‌ها و پدر و مادر باید قشنگ کشیده بشود. اگر مرز نداشته باشی، کار تمام است. حتی مرز بین زن و شوهر هم باید کشیده بشود. یعنی بعضی موقع‌ها مردها هم نباید در حریم زن‌ها وارد بشوند، حتی همسر خودم. زن هم نباید در حریم من وارد بشود. این‌ها مرز دارد و این مرزها را باید رعایت کنیم.

طلبه: می‌گویند بچه را جلوی بقیه عوض نکنید که چشم بقیه به آلت تناسلی‌اش نیفتد، درست است؟

استاد: منظور از بچه کیست؟ خواهر و برادرش است؟ نروید وسط پذیرایی... تأثیری روی آن بچه ندارد. آن دارد بی ادبی می کند. ولی اگر تو در خانواده خودت به خواهر و برادر بچه داری می گویی که بعضی ها جلوی بچه را می گیرند، ما در تربیت جنسی می گوئیم خود این منع کار را خراب می کند. شما همین که حساس نکنی بچه را... می رود آن گوشه پوشکش را مادرش عوض کند، خواهرش می آید می گوید مادر گرسنه ام. نگاه کند. کنجکاوی اش از بین می رود. می فهمد که فرق دارد با من. تمام شد. دیگر نمی خواهد دکتر بازی کند. دیگر نمی خواهد شلوار دیگری را در بیاورد. یا آنکه در بیاور بینم چیست. از بین می برد. تربیت جنسی را بلد باشیم، زمینه آموزش غیرمستقیم به بچه ها می دهیم، بدون حرف. بدون اینکه بخواهیم حساسیت نشان بدهیم. برگردیم به خود ما هم نگاه کنیم، می بینیم؛ چون حساس نبودیم، چون چیزهایی دیده بودیم و حساس نشدیم. مثلاً چه؟ حیوانات.

خیلی مهم است. قدیم ها در روستاها می دیدند. دارند با هم چه کار می کنند؟ دارند با هم بازی می کنند و شوخی می کنند. ما در خانه مان پرند داریم، مرغ عشق داریم... بعضی وقت ها روی هم می پرند. مرغ و خروس مثلاً... این ها به تربیت جنسی کمک می کند. نیاز نیست حرف بزنی. بعضی فیلم ها، بعضی قصه ها و انیمیشن ها.

طلبه: برای اینکه پدر و مادر رابطه جنسی شان تا چهار سال داریم روایت هست که برقرار نکنید؟

استاد: حدیث داریم که بچه باید برود در اتاق دیگر. تأثیر می گذارد دیگر. شما فرض کن یک در هزار این بچه بیدار بشود. روایت می گوید وقتی باشد،

صدای نفس، صدای آن حالت روی بچه تأثیر می‌گذارد. تعبیر روایت یادم نیست، دقیقاً چنین چیزی نیست.

طلبه: پس آن نگاه پدر بزرگ هم تأثیر دارد!

استاد: همان مثالی که عزیزمان می‌زد است. اینکه خانه پدرم و تلویزیون را روشن می‌کنند و بچه می‌بیند. اگر بخواهی این‌ها را در عالم ببینی، همه رفتیم. لا مؤثر فی الوجود الا الله. اگر ما در مسیر باشیم، خدا خیلی از این مشکلات را حل می‌کند و می‌رود. ما اگر واقعاً بدانیم که خدا همه‌کاره است، در مسیر که باشیم، نمی‌فهمیم چطور درست می‌کند. گفتم اگر برای خدا تربیت نکنیم بچه‌هایمان را، کمیتمان لنگ است. یعنی در همین بحث‌هایی که گفتم، بخواهم بچه‌ام را به‌خاطر... خانمم را به‌خاطر کی تربیت کنم، تعطیلیم دیگر. ما در مقابل خدا، آیا من نسبت به دایی‌ام که آشنایم است، مسئولم؟ چه کارش کنم؟ او احمق است من چه کنم؟

نفس با نفس فرق دارد. یک پوک زدن به تریاک با یک پوک زدن به سیگار و پوک زدن به قلیان و دود دیگر هر کدام فرق می‌کند. یک پوک است؛ ولی اثر او چه قدر فرق می‌کند. موقعیت‌ها با هم فرق می‌کند. نمی‌خواهم بگویم بی‌تأثیر است. همه‌اش نخواهم پرفکشنسیم باشیم، کمال‌گرا باشیم. ما طلبه‌ها خیلی اوقات کمال‌گرا هستیم. می‌خواهیم همه چیز را بی‌عیب و نقص داشته باشیم و خیلی اوقات هم نمی‌توانیم.

یک استادی داشتیم، ایشان شاگرد آیت‌الله تبریزی بودند، در هیئت افتای آقای تبریزی بودند. ما در قم که بودیم، ایشان... هیئت افتاء یعنی کسانی که آن عالم او را قبول دارد و وقتی می‌خواهد فتوا بدهد، این‌ها را می‌نشانند و می‌گویند نظراتان را بگویید و اشکالاتی می‌کنند و رد می‌کنند. شما می‌دانید آقای تبریزی

بحث فقه و اصولی‌شان خیلی قوی بودند. قبل از اینکه آقای وحید و... در قم معروف بشوند، این‌ها خیلی معروف‌تر بودند و طلبه‌ها فاضل قم، خیلی‌ها شاگرد آقای تبریزی بودند. این حاج‌آقای سپهر، ما یک دور خمس را با ایشان گذرانیدیم، ایشان می‌گفت من خودم را کستم که یک بچه‌ام حلال و حرام... خیلی اذیت شدم. به طلبه‌ها می‌گفت حواستان باشد اشتباه من را نکنید. آخر هم فکر نکنم که کارم درست بود، همه را هم اذیت کردم، خانمم... آخرش پسرش شهید می‌شود؛ ولی می‌گفت شما نروید به این سمت که بخواهید همه چیز را اوکی کنید. او در فضای خودش می‌گفت که من خیلی زجر کشیدم و اذیت شدم. خواهش می‌کنم شما این کارها را نکنید. هدفم این بود. خواستم این را بزنم. نمی‌خواهم بگویم بی‌تأثیر است. می‌خواهم بگویم حواستان باشد که دنبال آن کمال‌گرایی در خواسته‌هایم نباشیم.

